

# منبع‌شناسی تعلیم و تربیت

## کارنامه منابع تعلیم و تربیت

■ دکتر محمد هدایی<sup>۱</sup>

۱. هدف مشخص: یعنی توجه به نیاز واقعی کاربران. هدف کتابشناسی باید به کوتاهی در عنوان و به تفصیل در مقدمه بیان شود.

۲. گستره مشخص: تعیین حوزه‌های اصلی کار، منابعی که مد نظر پدیدآور بوده و عرضه حتی المقذور کامل منابع موجود.

۳. روش‌شناسی: مشخص بودن روش عرضه منابع و نظارت کامل بر نحوه ارائه همه منابع گردآوری شده.

۴. سازمان‌دهی منابع: استفاده از روشی روشن برای طبقه‌بندی موضوعات که کاربر نیاز زیادی به مراجعه مکرر به نمایه‌ها نداشته باشد.

۵. توصیفات و چکیده‌های روشن و کوتاه.

۶. جاری بودن: وجود منابع جدید در راستای هدف کتابشناسی.

۷. صحت اطلاعات منابع.

۸. شکل ظاهری: آیا کتابشناسی فقط به صورت کتاب منتشر شده یا به صورت لوح فشرده هم در دسترس است... (صص ۹۶-۹۷).

در سال ۱۳۹۱، پس از مدت‌ها رکود در تولید کتابشناسی آموزش و پرورش، کتابشناسی جدیدی با عنوان منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: کارنامه منابع پیرامون تعلیم و تربیت به بازار آمد که نگاهی به آن می‌اندازیم.

**منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: جبران یک نقیصه بزرگ**

منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: کارنامه منابع پیرامون تعلیم و تربیت، تازه‌ترین کتابشناسی آموزش و پرورش ایران است که در دو جلد و به همراه یک لوح فشرده منتشر شده است. بر اساس داده‌های لوح فشرده، در این کتابشناسی، شش هزار و هفتصد منبع گرد آمده است: ۱۶۵۸ عنوان کتاب؛ ۲۹۹ پایان‌نامه؛ ۷۵۷ مقاله مندرج در مجموعه‌های مقالات؛ ۳۹۰۸ مقاله مندرج در نشریات؛ ۷۷ مقاله مندرج در دایره‌المعارف‌ها؛ و برخی مقاله‌های گزارش همایش‌ها و... - با حدود ۴۵۰۰ عنوان منبع فارسی، حدود ۳۰۰ عنوان منبع عربی، و چند ده عنوان به انگلیسی و ترکی و اردو (لوح فشرده) همین کتابشناسی، (۱۳۹۱) که حاصل کار گروهی مرکب از ۲۱ نفر



■ منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: کارنامه منابع پیرامون تعلیم و تربیت / تهیه و تنظیم پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری (پارسا)؛ قم: مؤسسه اطلاع‌رسانی مرجع؛ تهران: کانون مدارس اسلامی ایران، ۱۳۹۱. شابک ۵-۵۲-۸۷۰۴-۹۶۶۴-۹۷۸.

کتابشناسی‌ها ابزارهایی مهم در راستای شناساندن و اطلاع‌رسانی درباره «موجودی» های منابع دانش هستند - و از این حیث به دو گروه عمده از مردم جامعه کمک می‌کنند: محققان یک حوزه علمی؛ و کتابداران. با توجه به این دو گروه کاربر، و نقش مهم کتابشناسی‌ها در توسعه دانش و در اطلاع‌رسانی موضوعی، پدیدآورندگان کتابشناسی‌ها از همان آغاز باید سه اصل: هدف، اعتبار منابع و گستره کار خود را - به عنوان یک اثر مرجع - مشخص کنند و سپس سایر عوامل ویژه اثر مرجعی را که می‌خواهند با عنوان «کتابشناسی» عرضه کنند، مد نظر قرار دهند؛ و بر اساس آن اصول و این عوامل گام بردارند و به پیش بروند. کنس (۱۳۸۲) این اصول و عوامل را «معیارهای ارزیابی کتابشناسی» خوانده است: معیارهایی که باید پیشاپیش برای پدیدآور یک کتابشناسی روشن باشد. در سطور زیر اجمالاً به این معیارها اشاره می‌کنیم:

**اصرار شدید بر حفظ اصطلاح قدیمی «تعلیم و تربیت» به جای اصطلاح رایج و رسمی «آموزش و پرورش» - که قریب به پنجاه سال است وزارتخانه‌اش با همین نام دایر است - چندان مناسب نیست**

ارجاعی از خود متن است):

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - نظریه‌های آموزش و پرورش (تعداد منابع: ۱۷۱ اصلی و ۸ ارجاعی)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - اهداف آموزش و پرورش (تعداد منابع: ۴۸ اصلی و ۲ ارجاعی)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - اهداف آموزش و پرورش - تفکر منطقی (تعداد منابع: ۲۹ اصلی)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - فلسفه آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - مبانی آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - اصول آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - روش‌های آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - آداب تعلیم و تربیت (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - نظام تعلیم و تربیت اسلامی (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - گروه‌های آموزشی - دانش‌آموزان (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - گروه‌های آموزشی - دانشجویان (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - آموزش و پرورش تطبیقی (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - اقتصاد آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - پژوهش در آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - کتاب‌شناسی آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - همایش‌های آموزش و پرورش (تعداد...)

تعلیم و تربیت - کلیات علوم تربیتی - کتابخوانی (تعداد...)

است. در متن چاپی کتاب، البته تعداد منابع به ۶۴۹۸ اثر کاهش یافته است؛ یعنی منابعی از مجموعه منابع اولیه حذف شده‌اند (یا مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند) - بی‌آنکه در جایی از کتاب دلیل این کاهش ذکر شده باشد.

نخستین ویژگی چشمگیر این اثر، عنایت ویژه‌اش به نهاد آموزش و پرورش اسلامی و ارائه منابعی در راستای معنا و حدود، مبانی نظری، اصول، تاریخ، صاحب‌نظران؛ روش‌های تعلیم و تدریس؛ روش‌های اجرایی؛ مؤسسات مجری - حوزه‌های علمیه و سازمان و تشکیلات آن‌ها، مدرسه‌های علوم دینی، مساجد؛ کتب درسی؛ و... آن است که در هیچ یک از کتابشناسی‌های پیشین ایران بدین تفصیل و با این دقت و ریزبینی مورد توجه و اعتنا قرار نگرفته بود.

دومین ویژگی کتاب تنوع شکلی منابع آن است: کتاب، مقاله‌های برگرفته از نشریات و دایره‌المعارف‌ها و مجموعه‌ها، گزارش‌های اجلاس‌ها و همایش‌ها، مصاحبه‌ها، - جز آنکه فاقد منابع دیجیتالی حوزه مورد نظر است (که در این ایام فراوان منتشر شده‌اند: از الفباآموزها تا سخنرانی‌های استادان دانشگاه‌ها درباره تعلیم و تربیت و...)

سومین ویژگی کتاب وجود چکیده است که حدود یک سوم منابع از آن برخوردارند. چکیده به بیان راهنمای کاربران این منبع‌شناسی، «برای متونی که از ویژگی پژوهشی و علمی بالاتری برخوردارند» (ص ۱۷) فراهم شده است.

بر اساس فهرست مطالب کتاب منبع‌شناسی تعلیم و تربیت موضوعات مورد بررسی خود را در پیکره هشت مقوله اصلی و ۶۶ زیرمجموعه مدون کرده است:

۱. کلیات علوم تربیتی (با ۱۸ زیرمجموعه)
۲. نهادهای آموزشی (با ۱۶ زیرمجموعه)
۳. آموزش (با ۱۵ زیرمجموعه)
۴. معلم و مربی (بدون زیرمجموعه)
۵. تربیت (با ۱۴ زیرمجموعه)
۶. تدریس (بدون زیرمجموعه)
۷. یادگیری (بدون زیرمجموعه)
۸. ورزش و تربیت بدنی (با ۲ زیرمجموعه)

نمونه‌ای از تفکیک مقوله‌ها به زیرمجموعه‌های خود، بر اساس ساختار «متن» کتابشناسی در میحث «کلیات علوم تربیتی» در ذیل نقل می‌شود (تقسیم‌بندی و عرضه تعداد منابع اصلی و

**نخستین ویژگی چشمگیر این اثر، عنایت ویژه‌اش به نهاد آموزش و پرورش اسلامی و ارائه منابعی در راستای معنا و حدود، مبانی نظری، اصول، تاریخ، صاحب‌نظران؛ روش‌های تعلیم و تدریس؛ روش‌های اجرایی؛ مؤسسات مجری - حوزه‌های علمیه و سازمان و تشکیلات آن‌ها، مدرسه‌های علوم دینی، مساجد؛ کتب درسی؛ و... آن است**

و ذیل هر زیررده، منابع به ترتیب الفبایی نام پدیدآورندگانشان معرفی می‌شوند. اسلوب معرفی منابع معمولاً به شرح زیر است:

- نام پدیدآور اصلی
- شماره منبع، عنوان منبع معرفی شده، نام پدیدآورندگان دیگر، نام مترجم(ها) [در صورت ترجمه بودن اثر]، و سایر مشخصات نشر؛
- کد پارسا: (عدد هشت رقمی ناشر)
- نمایه [منظور کلیدواژه / موضوع است که بعداً در نمایه خواهد آمد]

● چکیده [در صورت وجود].  
و طبعاً با تفاوت‌هایی در کتابشناسی کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات گوناگون.

کتاب در قطع رحلی منتشر شده، و با جلد مقوایی و پوشش گالینگور؛ و روی کاغذ سفید نسبتاً مرغوب، و با چاپ و صحافی خوب - که از نظر کتابداران و کتابخانه‌ها وضعیتی بسیار مطلوب برای یک کتاب است: کتابی با عمر طولانی و مقاومت کافی برای ده‌ها و شاید صدها بار استفاده؛ و این خود امتیازی است برای کتاب حاضر.

منبع شناسی تعلیم و تربیت با ۹ «فهرستواره» (نمایه) و هشت نمودار به پایان می‌رسد.

کتاب در مجموع منبع نسبتاً خوبی است؛ به ویژه برای محققانی که مایل باشند در زمینه توسعه و تحولات تعلیم و تربیت اسلامی - مخصوصاً توسعه و تحولات آموزش حوزوی، توسعه مدارس علمیه، تغییرات و تحولات الگوهای آموزشی و روش‌های آموزشی حوزوی، و تحولات محیط‌های آموزشی دینی، و مسائلی از این دست بپردازند.

#### راهکارهایی برای بهبود اثر

در سطور بالا مزایای کتابشناسی موسوم به منبع‌شناسی تعلیم و تربیت را برشمردیم. لازم است که از همگی همکاران این مجموعه به دلیل زحمات بسیارشان قدردانی کنیم اما اگر این جماعت علاقه‌مند یکی از دو کار زیر را انجام می‌دادند، نتیجه‌ای به از آنچه هست، به دست می‌آمد:

۱. به تولید یک کتابشناسی بزرگ آموزش و پرورش، با درج نام و مشخصات همه منابعی که تا سال ۱۳۹۱ منتشر شده‌اند، می‌پرداختند. اعم از اسلامی یا عمومی که مشخصاتشان (لااقل به صورت «شمارشی») در نشریاتی چون کتاب ماه در زمینه آموزش و پرورش معرفی شده و اطلاعاتشان روی سی‌دی‌های ضمیمه این نشریات در دسترس بوده؛ و یک کتابشناسی، به قول خودشان (در لوح فشرده؛ مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع) «کلان و جامع» و به‌روز ارائه می‌دادند - که به قول حضرت مولانا: تا زمین و آسمان خندان شود؛

۲. یا یک کلمه به عنوان این کتابشناسی می‌افزودند: «اسلامی» - و خود را از قید هر آنچه «جز به تعلیم و تربیت

اسلامی و حوزه‌های علمیه مربوط می‌شود» می‌رهانیدند و کاری محدود، اما با تکلیف روشن، ارائه می‌کردند. اکنون بیش از هفتاد درصد منابع، اشاره به منابع اختصاصی تعلیم و تربیت اسلامی دارند؛ و جای بسیاری از منابع عمومی تعلیم و تربیت ایران خالی است.<sup>۲</sup>

آنچه اکنون ارائه شده، البته قابل قدردانی است؛ اما روشن نبودن هدف و گستره کار، «منبع‌شناسی...» را دچار نقیصه‌ای بزرگ کرده است.

جز این دو مورد که یاد کردیم، نمی‌دانیم به سبب شتابزدگی برای نشر کتاب و رساندنش به نمایشگاه بین‌المللی کتاب بوده یا دلایل دیگر که پاره‌ای سهل‌انگاری‌ها و بی‌دقتی‌ها در کار «منبع‌شناسی تعلیم و تربیت...» رخ داده است - که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

#### ضعف‌ها و کاستی‌های اثر

هم به جد و هم به مزاح، عرض می‌شود که ای کاش بسیاری از «نقد کتاب»‌های ایران «پیش از چاپ کتاب‌ها» نوشته می‌شد! در این صورت، برخی (یا بسیاری) از ضعف‌های کتاب‌ها - و به خصوص کتاب‌های پرهزینه یا گران‌قیمت، و نیز کتاب‌هایی که بنا بر نقش کاری و یا بر اساس عرف کشور ما، بیش از یک‌بار چاپ نمی‌شوند - آشکار و رفع می‌شد. ضمن قدردانی از زحمات پدیدآورندگان کتاب، نکاتی را یادآور می‌شویم که در صورت قبول، - طبعاً نه در این کتاب چاپ‌شده، بل در کتابشناسی آینده تعلیم و تربیتشان - لحاظ شود؛ چرا که از مؤسسه‌های بزرگ و پرکار انتظار می‌رود که حتی‌المقدور کارهایی بدون عیب و ایراد منتشر کنند.

۱. نخستین چیزی که در منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: کارنامه منابع پیرامون تعلیم و تربیت کمی مایه آزرزدگی خاطر می‌شود (و در عین حال، چنانکه در بالا اشاره شد، «امتیاز» کتاب هم هست!) انتشار کتاب، تنها به یک صورت: قطع رحلی و کاغذ سفید و جلد مقوایی گالینگوری است - که سبب افزایش چشمگیر قیمت کتاب شده است (۷۵/۰۰۰ تومان)؛ کتابشناسی‌ها لزوماً فقط و فقط توسط کتابخانه‌ها یا مراکز و مدارس ثروتمند خریداری نمی‌شود؛ هستند محققانی که مایل هستند این گونه ابزارها را برای استفاده شاید چند ساله در کتابخانه خود داشته باشند - و ارائه چنین کتابشناسی تنها به صورت گالینگوری، و با قیمت سنگین، طبعاً گروهی از کاربران را از تهیه این منبع محروم می‌کند. شاید منصفانه‌تر این بود که نیمی از تیراژ کتاب به صورت کاغذ سفید - جلد گالینگوری، و نیمی به صورت کاغذ کاهی - جلد شومیز منتشر می‌شد تا کاربران بیشتری به این منبع دست می‌یافتند.

۲. در انتخاب عنوان کتاب بی‌سلیقه‌گی‌هایی رخ داده:

- در عرف کتابداری و نشر زبان فارسی امروز ایران، اصطلاح «کتابشناسی» اصطلاحی جاافتاده و گویاست و معنایش همه گونه منبع - اعم از کتاب، نشریه، مقاله، گزارش، پایان‌نامه، لوح فشرده، و حتی منابع اینترنتی - را در بر می‌گیرد. تغییر این اصطلاح

به «منبع‌شناسی» چندان گویا نیست؛ علی‌الخصوص که با عنوان فرعی غیرلازمی هم - «کارنامهٔ پیرامون تعلیم و تربیت» - (به قول ادبا: حشو قبیح) همراه شده باشد.

● اصرار شدید بر حفظ اصطلاح قدیمی «تعلیم و تربیت» به جای اصطلاح رایج و رسمی «آموزش و پرورش» - که قریب به پنجاه سال است وزارتخانه‌اش با همین نام دایر است - چندان مناسب نیست؛ علی‌الخصوص که هم در فهرست و هم در عنوان‌ها و زیرعنوان‌های متن کتابشناسی یکدستی و یکنواختی رعایت نشده است و این دو اصطلاح دایماً جای همدیگر را می‌گیرند.

ترجمهٔ عبارت «تعلیم و تربیت» با تکیه بر دو عنصر «تعلیم» + «تربیت» هم بی‌توجهی دیگر عنوان‌گذاری است؛ عنوان لاتین پشت جلد چنین می‌شود: (A Bibliography of Education)؛ چرا که اصطلاح «Education» حاوی همهٔ انواع «آموزش»<sup>۳</sup> می‌شود - چه آموزش مدرسه‌ای، و چه آموزش راه و رسم زندگی (که ما اصطلاحاً آن را «تربیت» یا «پرورش» می‌نامیم). به هر حال، مترجم محترم عنوان فارسی کتاب را به صورت زیر ترجمه کرده است: The Bibliography of Education & Upbringings' Sources - و البته با سه خطا: ۱. کاربرد ناروای عبارت Upbringings' Sources برای «تربیت»؛ ۲. خطای کاربرد نشانهٔ آپاستروفی - اس (s') برای Upbringing - که «شخص» و مالکیت‌پذیر نیست تا آپاستروفی - اس (s') بگیرد؛ و ۳. افزودن عبارت Sources به انتهای عنوان (Bibliography خودش حاوی معنای Sources هست).

ذکر این نکات به معنای وارد کردن به قول قُدما، ایراد بنی‌اسرائیلی به کتاب نیست؛ فقط به جهت یادآوری ضرورت دقت و توجه است.

#### نکته‌هایی از متن و محتوای منبع‌شناسی

نکاتی هم دربارهٔ متن و محتوای کتاب بگوییم که شاید یادآوریشان برای کارهای آیندهٔ این مؤسسه مفید باشد. نخست باید یادآور شویم که تدوین کتاب‌شناسی‌ای از این دست و با این حجم نیازی واجب به حضور دو متخصص در دو زمینهٔ فنی «کتابداری» و «آموزش و پرورش» داشته است - که چون مشخصات فنی یا حرفه‌ای پدیدآورندگان در صفحهٔ عنوان کتاب ذکر نشده نمی‌توانیم بگوییم از این اشخاص بهره برده شده یا نه؛ ولی استنباط بنده این است که این دو متخصص در میان نبوده‌اند. به دنبال سخنان پیشین عرض می‌نمایم که:

۳. کتاب نیاز مبرم به مقدمه‌ای آگاهی‌بخش دارد، شامل بیان سیاست کلی، هدف، روش تدوین، مخاطبان، روش انتخاب منابع؛ «تعریف» آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) از دید ناظر و مجریان طرح تدوین «منبع‌شناسی تعلیم و تربیت...»؛ تعیین «حدود» و دامنهٔ کار؛ بیان ضرورت تدوین یک کتابشناسی جدید در حوزهٔ آموزش و پرورش - برای ثبت و ضبط منابع جدید آموزش و پرورش، و از جمله منابع فراوان جدید مربوط به تعلیم و تربیت

اسلامی؛ ذکر دلیل «مرکب بودن» کتابشناسی از کتب فارسی و عربی و انگلیسی و ترکی و اردو (و حدود این ترکیب) و دلایل گزینش برخی و عدم گزینش برخی دیگر از منابع آموزش و پرورش اسلامی کشورهای اسلامی؛ تعیین حدود «گذشته‌نگری» یا «جاری بودن» کتابشناسی و دلایل انتخاب نشدن صدها عنوان از منابع آموزش و پرورش نام‌برده در کتابشناسی‌های پیشین؛ منطق یا معیار حاکم بر رده‌بندی موضوعی و تعیین رده‌های اصلی و زیررده‌های موضوعی «منبع‌شناسی...»؛ و...

۴. «راهنمای کاربران» باید با ذکر نمونه‌های لازم برای بازیابی آسانتر مطالب صورت «عملی» می‌یافت. ذکر نمونه‌هایی از مثلاً نحوهٔ ارجاعات و سایر موارد کاربری مربوط به برخی نکات درون متن - که به صورت نظری، ذیل شماره‌های ۲، ۳، و ۴ «راهنمای کاربران» بیان شده‌اند، می‌توانست کاربران را راحت‌تر و سریع‌تر با روش بهره‌گیری از کتاب آشنا کند (نه اینکه کاربر چندین بار به سؤال بیفتد و سرانجام خودش داستان را «کشف» کند). مثلاً: برای موارد ارجاعی به کتابی که چند جنبهٔ تعلیم و تربیت را در بر دارد، می‌شد به صورت زیر در راهنما مثال داد (و نیز موارد و اشارات دیگر):

حجتی، سید محمد باقر [عنوان] برای شرح و چکیده ----  
 < شمارهٔ ۴۱۴

● همچنین در راهنما باید یادآوری می‌شد که منبع مادر مقاله‌های نشریات و همچنین منبع مادر مقاله‌های برگرفته از مجموعه‌های مقالات، بلافاصله پس از عنوان مقاله درج شده است؛ و درست‌تر این بود که از نشانه‌های رایج این‌گونه منابع استفاده می‌شد: «در» [نام منبع مادر] یا «برگرفته از» [نام منبع مادر]. نمونهٔ پیشنهادی برای این‌گونه مدخل‌ها به صورت زیر درمی‌آید: (مدخل‌های شمارهٔ ۷ و ۷۴؛ نشانهٔ دو قلاب، و حرف اضافهٔ «در» افزودهٔ نگارنده است):

اسعدبن علی  
 ۷... المنهج التربوی فی مدرسه اهل‌البيت (ع) [در] المنهج...

سنارد، پیر  
 ۴۷... «تعلیم و تربیت یسوعیان» [در] مربیان بزرگ...  
 ۵. رعایت برخی نکته‌های کتابدارانه می‌توانست کتابشناسی

حاضر را به یک کتابشناسی استاندارد نزدیک‌تر کند؛ از جمله: شایسته بود که مؤسسهٔ تدوین‌کنندهٔ منبع‌شناسی تعلیم و تربیت... دست‌کم یک دوره «مستند مشاهیر و مؤلفان» کتابخانهٔ ملی را در اختیار تدوین‌کنندگان کتابشناسی قرار می‌داد تا تاریخ تولد و وفات پدیدآورندگان را تا جایی که ممکن و میسر بود، ذکر کنند؛ زیرا این تاریخ‌ها به ندرت ذکر شده است.

● چنین مرسوم است که کتاب‌های چندجلدی، یک‌بار فهرست می‌شوند (با یک شناسه)؛ در حالی که در این کتابشناسی کتاب‌های چندجلدی (به سبب ارائهٔ مطالب هر مجلد در چکیده) به تعداد مجلدات فهرست شده‌اند و مدخل جداگانه گرفته‌اند (مثال: مدخل‌های شماره‌های ۲۶۵ و ۲۶۶ / باقری؛ ۲ جلد؛ و مدخل‌های

#### شایسته بود که

#### مؤسسهٔ تدوین‌کنندهٔ

#### منبع‌شناسی تعلیم

#### و تربیت... دست‌کم

#### یک دوره «مستند

#### مشاهیر و مؤلفان»

#### کتابخانهٔ ملی را در

#### اختیار تدوین‌کنندگان

#### کتابشناسی قرار

#### می‌داد تا تاریخ تولد و

#### وفات پدیدآورندگان

#### را تا جایی که ممکن و

#### میسر بود، ذکر کنند

۴۳ و ۴۴ / دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ ۲ جلد، و...)

● قاعده فهرست‌نویسی چنین است که منابع دارای یک تا سه پدیدآور (نویسنده، مترجم، ...) را زیر نخستین نام (سرشناسه) معرفی می‌کنند و پس از ذکر عنوان اثر، نام پدیدآورندگان (تا سه نفر، و از جمله همان نام سرشناسه - یعنی پدیدآور نخست - ذکر می‌شود. لذا خطاست که نام نخستین نویسنده در سرشناسه درج شود، ولی در شرح پدیدآوران نوشته نشود: (همه منابعی که چند پدیدآور داشته‌اند؛ نمونه: مدخل‌های ۱۹؛ ۲۶۲؛ و ۲۶۳).

باقری، خسرو (۱۳۳۶ -)

۱۹. تعلیم و تربیت در دیدگاه تألیفی؛ نویسنده عبدالوهاب یزدانی...

ایروانی، شهین

۲۶۲. چرا معلمان به آموختن فلسفه تعلیم و تربیت نیاز دارند؟ نویسندگان: محمدرضا شرفی‌جم و مراد یاری دهنوی...

بارو، رابین

۲۶۳. درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش؛ مؤلف رونالد وودز...

و انبوهی از این مورد خطا در کتابشناسی هست.

● کتاب‌ها و مقالات و سایر منابع فاقد پدیدآور مشخص، زیر «عنوان» فهرست می‌شوند و نیازی به «توضیح» اینکه «نام نویسنده ذکر نشده» نیست (شماره‌های ۱۰۷۸ تا ۱۰۸۳؛ نام اجلاس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها، همایش‌ها و مشابه این‌ها سرشناسه پدیدآور شود؛ سرگذشتنامه یک شخص، زیر نام او فهرست می‌شود، نه زیر سرشناسه «گروهی از نویسندگان» (مدخل‌های شماره ۱۲۵، شماره ۴۲۸۸)؛ مقاله‌های بدون نام نویسنده زیر عنوان سرشناسه می‌شوند نه زیر نام «مجله...» (شماره ۱۳۱ / مبانی آرای اخوان‌الصفاء)؛ و... .

● در تعیین برخی از سرشناسه‌های اصلی خطاهایی صورت گرفته است. مثلاً در مدخل شماره ۷۴، نام سنار - که نویسنده اصلی یک مقاله از مجموعه است - سرشناسه شده؛ و در مدخل بعد (۷۵) و مواردی دیگر از همین مجموعه مقالات، نام شاتو سرشناسه شده (مدخل ۷۵)؛

● در مواردی شناسه اصلی، یعنی نام نویسنده اثر با مترجم عوض شده و کتاب ترجمه‌شده زیر سرشناسه مترجم (بدون ذکر کلمه «مترجم») آمده و در شرح پدیدآور نام نویسنده اصلی ذکر شده - که امری خلاف عرف است (شماره ۴۲۸۴ / کریمی، که «مترجم» است).

● برخی از توضیحات (ملاحظات) زائدند. مثلاً اینکه دنباله مقاله‌ای در شماره‌های دیگر یک نشریه آمده، نیازی به «توضیح» ندارد؛ بلکه این آگاهی مستقیماً باید در توصیف مقاله بیاید؛ مثال: شماره ۱۱ / اکرمی، می‌بایست به این صورت نوشته می‌شد: [در] پیوند: پیاپی ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۵؛ و مشابه‌های فراوان این‌ها.

● معمولاً برای جستجوی یک موضوع، افراد عبارت یا کلیدواژه

اصلی (موضوع اصلی مورد نظر) را در نمایه جستجو می‌کنند. بنابراین ضروری بوده است که پدیدآورندگان «موضوع»‌های دقیقی در ذیل هر چکیده قرار بدهند. برای این کار کافی بود که مؤسسه تدوین‌کننده کتابشناسی یک دوره «سرعنوان‌های موضوعی» کتابخانه ملی را در اختیار همکاران بگذارند تا «موضوع»‌ها و کلیدواژه‌هایی درست و منطقی ذیل چکیده‌ها درج کنند؛ به علاوه، موضوع ذیل چکیده باید موضوعی - به اصطلاح کتابدارها - «اخص» باشد، و ارائه موضوع‌ها یا کلیدواژه‌هایی با کلمات آغازین کلی، یافتن موضوع دقیق را مشکل می‌کند - کلیدواژه‌هایی نظیر «نظریه‌های آموزش و پرورش» (شماره‌های ۱ تا ۱۷۱)؛ «اهداف آموزش و پرورش» (شماره‌های ۱۴۱۸ تا ۱۴۸۸) «آموزش و پژوهش در حوزه» (شماره‌های ۱۴۸۹ تا ۱۸۵۴) «تحول و اصلاح حوزه علمیه» (از شماره ۱۸۵۵ به بعد) و... و مشابه این‌ها: بررسی کتب درسی، کلیات نهادهای آموزش، ارزش علم و علم‌آموزی، آداب تعلیم و تربیت، نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تاریخ حوزه علمیه، و... خطاست و منطقی آن است که موضوعات تقریباً به صورت‌های زیر ارائه می‌شدند:

آموزش و پرورش، نظریه‌ها؛ آموزش و پرورش، اهداف؛ حوزه علمیه، آموزش و پژوهش؛ حوزه‌های علمیه، تحول و اصلاح کتب درسی؛ آموزش، نهادها؛ علم، ارزش؛ تعلیم و تربیت، آداب؛ تعلیم و تربیت اسلامی، نظام؛ حوزه علمیه، تاریخ؛ ...+  
با استفاده از «سرعنوان‌های موضوعی فارسی» می‌شد موضوع‌های دقیق و سازمان‌یافته برای هر منبع تعیین کرد؛ و به تبع آن نمایه‌های دقیق و سازمان‌یافته با شناسه‌های زودیاب.  
● عبارت مرسوم نشر در حال حاضر برای «فهرست»‌های انتهای کتاب‌ها عبارت یا اصطلاح فنی رایج «نمایه» است نه «فهرستواره» یا چنانکه در ذیل همین عبارت آمده: «الفبایی موضوعات». صحیح: نمایه موضوع، نمایه پدیدآور؛ نمایه عنوان (با تفکیک: نمایه عنوان کتاب‌ها، نمایه عنوان مقالات نشریه‌ها) و...

● چکیده یک کتابشناسی عمومی حتی‌المقدور باید کوتاه باشد - گزارمانی در حدود ۵۰ کلمه (به قول ادبا: خیرالکلام ما قل و دل) که به فرض ضرورت اطناب کلام بشود ۱۰۰ کلمه. برای چکیده «میانگین» نمی‌گیریم که بگوییم «تعداد کلمات آن معمولاً از ۳۰۰ کلمه تجاوز نمی‌کند.» (ص ۱۷). ده‌ها مورد از چکیده‌های منبع‌شناسی تعلیم و تربیت در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کلمه اند - که «چکیده» را از «چکیدیگی» دور می‌کند و به «خلاصه» کتاب مبدل می‌سازد (مدخل‌های ۱۱۷، ۱۴۷، ۵۱۱، ۵۱۷، ۲۸۵۳، ۳۹۸۸ و قابل توجه‌تر از این‌ها، دو مدخل ۱۴ و ۳۶۳۷ است که ذیلشان برای مقاله‌ای سه صفحه‌ای حدود ۶۰۰ کلمه «چکیده» آمده!). چکیده‌هایی هم حاوی انبوهی از سنجه‌های آماری (مثلاً مدخل ۳۴۷۱، ۳۴۸۰) یا نام‌های لاتین و کوتاه‌نوشت‌های لاتین و استناددهی درون‌چکیده‌ای هستند! (مدخل ۳۵۷۵) در متن همه چکیده‌ها هم برخی کلمات یا عبارات درشت‌نویسی شده؛

و راهنمای کاربران به سبب یا نقش این درشت‌نویسی‌ها اشاره‌ای نکرده است. برای مثال در چکیدهٔ مدخل شماره ۱۵ / باغستانی / «رویکرد اجتماعی تعلیم و تربیت» می‌خوانیم:

«... به نظر می‌رسد که **رویکرد ابن‌خلدون به تعلیم و تربیت** ریشه در دانش یا رویکرد کلی‌ای داشته باشد که خود او آغازگر آن بود و آن را **دانش عمران بشری** می‌نامید؛ ... این مقاله شرح و تحلیل و ثبت نظریهٔ ابن‌خلدون و **دیدگاه‌های اجتماعی اوست...** معلوم نیست به چه سببی این کلمات یا عبارات ممتاز شده‌اند؛ و در راهنمای کاربران نیز توضیحی در این باره داده نشده است.

● غلط‌های چاپی هم در کتاب هست - به خصوص در مدخل‌های لاتین کتاب. از خطاهای چاپی فارسی، به مدخل شماره ۷۴ می‌توان اشاره کرد که نام **مسنارد** به صورت: **سنارد** چاپ شده (در جای دیگری در متن هم **مسنارد** چاپ شده؛ و در لوح فشرده هم به هر دو صورت وارد شده است). در منابع خارجی یا دارای عنوان لاتین، خطاهای گوناگون هست: خطای انتخاب حروف بزرگ و کوچک (مدخل ۳۱۱)، خطای نقطه‌گذاری (مدخل‌های ۶۹۶ و ۷۲۹)، خطای تایپ اشتباه حروف (مدخل ۳۲۵۷)، و خطای شکستگی کلمه و خطای تایپ (مدخل ۱۴۲۶: The Ological Colleges of Natf صحیح: Theological Colleges of Najaf).

● و سرانجام، ای کاش به جای هشت رقمی بازیابی اینترنتی «کُد پارسا» شمارهٔ منبع در کتاب داده می‌شد تا مراجعین به منبع‌شناسی تعلیم و تربیت برای یافتن نمونه‌ها دچار عذاب جستجو در متن ۶۲۳ صفحه‌ای نشوند!

#### نابسامانی موضوعی «منبع‌شناسی...»

نبودن متخصص علوم تربیتی در میان همکاران این «منبع‌شناسی...» نخستین و آشکارترین نتیجه‌اش این است که ملاک و منطق مشخصی برای تعیین رده‌های موضوعی اصلی آموزش و پرورش (مقوله‌های اصلی)، و زیررده‌های موضوعی (زیرمجموعه‌های) مندرج در منبع‌شناسی تعلیم و تربیت در کتاب مطرح نشده است؛ و ظاهراً موضوع‌ها به گونه‌ای بر اساس «سلیقهٔ پدیدآورندگان» فراهم شده‌اند. این وضعیت کتاب مذکور را با نوعی آشفتگی موضوعی مواجه کرده است. به برخی موارد (عمدتاً بر اساس فهرست مندرجات کتاب) اشاره می‌کنیم:

● در فهرست کتاب می‌بینیم که «تدریس» از «آموزش» جدا تلقی شده است؛ و چیزی همسنگ و برابر مقوله‌های اصلی «آموزش» و «کلیات تعلیم و تربیت» قرار گرفته؛ در حالی که «تدریس» ذاتاً، جزئی از فرایند «آموزش» است؛ و قابل ذکر است که زیر موضوع‌هایی چون «ارزشیابی آموزشی»، «کتاب درسی (بررسی)» و «تکنولوژی آموزشی»، که در مبحث «آموزش» جا گرفته‌اند، اساساً مربوط به **تدریس** هستند - و خود تدریس نیز، بالفعل و بالقوه، بخشی از آموزش است.

● «مبانی آموزش و پرورش» و «اصول آموزش و پرورش» (در مقولهٔ اصلی «کلیات علوم تربیتی») دو مبحث تلقی شده؛

در حالی که این هر دو عبارت حاوی یک معنا (و معادل عبارت انگلیسی Principles of Education) است - و جالب اینکه در منابع همین دو مبحث هم از «روش‌های آموزش و پرورش» صحبت شده و هم از «آداب تعلیم و تربیت» (که اجزای مقوله‌های اصلی دیگرند)؛ و - بدون هیچ مناسبتی - زیر همین مقولهٔ اصلی، زیرمجموعه‌های «پژوهش در آموزش و پرورش»، «کتابشناسی آموزش و پرورش» و «همایش‌های آموزش و پرورش»، و «کتابخوانی» قرار گرفته است (همه در فهرست مندرجات، ص ۸)؛

● زیر مقولهٔ اصلی «آموزش» دوباره با زیرمجموعه‌های «روش‌های آموزش» و مبحث خاصی در آن، با عنوان «علم دینی» مواجه می‌شویم. بحث علم - و از جمله علم دینی، قاعدتاً باید جایی در سطوح بالاتری چون «فلسفهٔ تعلیم و تربیت» قرار می‌گرفت.

● اصطلاح «نهاد» به نفس یا ذات آموزش و پرورش اطلاق می‌شود (نهاد خانواده، نهاد ارتش، نهاد آموزش، نهاد دین) و سازمان‌هایی که این نهاد را اجرا می‌کنند، مؤسسه‌های آموزشی شمرده می‌شوند؛ مثل: وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه، حوزهٔ علمیه، و... .

● ورزش و تربیت بدنی به عنوان یک مقولهٔ اصلی در فهرست آمده؛ ولی دو زیرمجموعهٔ مطلقاً متفاوت از «ورزش و تربیت بدنی» ذیل آن مطرح شده: «اوقات فراغت»، و «تفریح و بازی»!

● نبود سیاست روشن کاری به متن کتاب هم سرّیافته: با نگاهی به بخش «همایش‌های آموزش و پرورش» (صص ۱۹۱ تا ۱۹۴) این سؤال برای جوینده ایجاد می‌شود که: آیا به راستی طی ۷۴ سال (از گزارش مدخل شمارهٔ ۱۰۸۳ به تاریخ ۱۳۱۷ شمسی تا سال ۱۳۹۱ که منبع‌شناسی تعلیم و تربیت منتشر شده، تنها ۱۷ همایش تعلیم و تربیت ایران و جهان در ایران برگزار شده؛ و یا آنکه تنها ۱۷ گزارش از آن‌ها منتشر شده - که تازه ۸ موردش هم گزارش و نقد و نظرهای سومین اجلاس برنامهٔ آموزش و پرورش برای همه در منطقهٔ آسیا و اقیانوسیه است؟

● مفهوم «نظریه» (= تئوری) و تفاوت آن با «نظر» شخصی افراد هم برای تعیین‌کنندگان موضوع‌ها ظاهراً روشن نبوده است. به همین سبب منابع جالبی در کتاب آمده که «نظر» شاعرانی را که حرف و حدیثی را دربارهٔ مثلاً «تربیت» گوسفندی یا کودکی مطرح کرده‌اند با «نظریه» صاحب نظری که ده‌ها سال بر سر تعلیم و تربیت تحقیق کرده و نهایتاً کتابی در این علم نوشته، یکی شمرده‌اند و به عنوان «منبع تعلیم و تربیت» در کنار نظریه‌های بنیادی این رشته نهاده‌اند! آیا واقعاً شاعران (مثلاً سعدی: شماره‌های ۳، ۳۳، ۷۹، ۱۲۳)، «صاحب‌نظران» و «نظریه‌پردازان» آموزش و پرورش هستند؟

● مشاهده می‌شود که در منبع‌شناسی تعلیم و تربیت نشانی از موضوعات مهم آموزش و پرورش ایران جایی برای خود نیافته؛ از جمله: آموزش استثنایی، آموزش فنی و حرفه‌ای؛ آموزش رایگان؛ آموزش عشایری؛ آموزش روستایی؛ آموزش معلولین؛ آموزش

#### مشاهده می‌شود

#### که در منبع‌شناسی

#### تعلیم و تربیت نشانی

#### از موضوعات مهم

#### آموزش و پرورش

#### ایران جایی برای

#### خود نیافته؛ از جمله:

#### آموزش استثنایی؛

#### آموزش فنی و

#### حرفه‌ای؛ آموزش

#### رایگان؛ آموزش

#### عشایری؛ آموزش

#### روستایی؛ آموزش

#### معلولین؛ آموزش

#### عقب‌ماندگان ذهنی؛

#### آموزش مکاتبه‌ای؛

#### روان‌شناسی پرورشی

و...

عقب‌ماندگان ذهنی؛ آموزش مکاتبه‌ای؛ روان‌شناسی پرورشی و...

● همچنین شاهد آن هستیم که در منبع‌شناسی تعلیم و تربیت از نام (و طبعاً کتاب‌ها و مقالات) بسیاری از صاحب‌نظران و محققان تعلیم و تربیت نشانی نیست: از جمله: علی‌اکبر سیاسی، امیرحسین آریان‌پور، توران میرهادی، صغری سره، محمد برهان‌منش، علی‌اصغر کوشافر، احمد امیدوار، اقبال قاسمی پویا، جان دیویی، ماکارنکو، یونسکو (سازمان ملل)، و کسان دیگری که آثارشان در حوزه آموزش و پرورش ایران مؤثر و راهگشا بوده است. ● و منابع بسیار در نقاطی به قول علماء، و نه به معنای اخص آن: «فی غیر ما وُضِعَ له» قرار گرفته‌اند، که جستجو و نشان دادن جای آن وقت بسیار می‌طلبد. برای نمونه به چند مورد از زیرمجموعه «ارزشیابی آموزشی» کتاب منبع‌شناسی... اشاره می‌شود: شماره‌های ۳۵۳۴ و ۳۵۶۵ - که به «تکلیف شب» اشاره دارد؛ باید در ذیل «تدریس» قرار می‌گرفتند؛ و شماره‌های ۳۵۴۵ و ۳۵۴۷ - که به بررسی نحوه «ارزشیابی آموزشی» در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) پرداخته؛ باید در زیرمجموعه «آداب تعلیم و تربیت» و یا «نظام تعلیم و تربیت اسلامی» قرار می‌گرفت (ارزشیابی آموزشی امری است اساساً کمی و مربوط به کلاس و برنامه زمان‌بندی‌شده درسی، و قاعدتاً بر اساس نوعی «نمره‌گذاری» - خواه کمی و عددی، و خواه کیفی توصیفی به تازگی وارد شده است. دو مقاله دکتر علی شریعتمداری (شماره ۳۲۲۷ و ۶۳۶۹) باید در زیرمجموعه «نظریه‌های آموزش و پرورش» می‌آمدند؛ و فعلاً در دو زیرمجموعه دیگر - اولی در «روش‌های آموزش» و دومی در «یادگیری» درج شده‌اند.

### فهرست‌واره‌های نه‌گانه منبع‌شناسی تعلیم و تربیت...

منبع‌شناسی تعلیم و تربیت ۹ فهرست‌واره (نمایه) به شرح زیر دارد:

[فهرست‌واره] الفبایی موضوعات

[فهرست‌واره] پدیدآورندگان

[فهرست‌واره] عنوان‌های کلی

[فهرست‌واره] عنوان‌های کتاب

[فهرست‌واره] عنوان‌های مقاله نشریه

[فهرست‌واره] عنوان‌های مقاله مجموعه

[فهرست‌واره] عنوان‌های پایان‌نامه

[فهرست‌واره] ناشران

[فهرست‌واره] نشریات

نبود کتابدار حرفه‌ای در میان پدیدآورندگان ۲۱ گانه، البته چنین مشکلاتی را هم به دنبال دارد! پیش از این اشاره کردم که مؤسسه تولیدکننده این اثر می‌بایست یک نسخه «مستند مشاهیر و مؤلفان» (برای ارائه شکل صحیح نام پدیدآورندگان آثار، و نیز برای تعیین شکل صحیح نام کسان در بخش نمایه موضوعی) و یک نسخه «سرعنوان‌های موضوعی» (برای تعیین موضوع‌های دقیق و منطقی) را در اختیار همکاران می‌گذاشت؛ و در اینجا می‌افزایم که می‌بایست یک جلد کتاب «نمایه‌نویسی کتاب» هم

در اختیارشان می‌گذاشت تا اولاً نقش و کار «نمایه» را بشناسند؛ و ثانیاً الگویی منطقی برای نمایه‌سازی فراهم کنند. در ذیل به برخی از موارد مربوط به نمایه‌ها (فهرست‌واره‌ها) اشاره می‌شود:

### ۱. فهرست‌واره موضوعی

اساس جستجوی موضوعی برای اهل فن (که کتابشناسی در اختیار ایشان قرار می‌گیرد) تداول عام و وسعت کاربرد واژه یا اصطلاحی است که محقق برای یافتنش به نمایه، برگه‌دان کتابخانه، و یا به کتابشناسی مراجعه می‌کند نه واژه‌ها و اصطلاح‌ها دلخواه نمایه‌نویس. در اثر مذکور متأسفانه این دو اصل رعایت نشده است و از ابزار مناسب تعیین موضوع (سرعنوان‌های موضوعی) هم استفاده نشده؛ و در نتیجه نوعی سردرگمی و تشتت در نمایه موضوعی پدید آمده است. اینک برخی نمونه‌ها:

اقتصاد	یا	آموزش اقتصاد؟
حقوق بشر	یا	آموزش حقوق بشر؟
روزنامه‌نگاری	یا	آموزش روزنامه‌نگاری؟

موضوع‌هایی چون «آینده‌شناسی»، «دین و دنیا»، «اسلامی کردن اقتصاد»، «تعلیم فرشتگان»، «رسم‌الخط قرآن»، «معماری یمن»، «عرفان حج»، «جهت‌داری علوم»، و «ترابط علوم» موضوع‌هایی هستند که به اصطلاح «موضوعیت ندارند»!

● در کتابشناسی با بیش از ۶۰۰۰ منبع به طور قطع بیش از هزار موضوع گوناگون می‌توان یافت؛ در حالی که تعداد موضوع‌های نمایه موضوعی کنونی - با وجود بسیاری موضوع‌های «بدون موضوعیت»، از دویست - سیصد موضوع تجاوز نمی‌کند. به علاوه، موضوع‌های کم و بیش مشخص‌شده (با حروف سیاه) خود مدخل‌ها هم در نمایه موضوعی لحاظ نشده؛ برای نمونه اشاره می‌کنیم به موضوع «أل کاشف الغطاء» (مدخل ۱۳۸۰) که در آن غیر از سه موضوع: «حوزه علمیه - تاریخ»، «أل کاشف الغطاء» و «شیعه، مرجعیت» پنج موضوع مرتبط دیگر وجود دارد که از ذکر آنها غفلت شده: شیخیه، بابیه، شمرد، زقرد، و وهابیه؛ و در مدخل ۵۷۹۵ در کنار موضوع «غریزه جنسی» به «خودارضایی» نیز اشاره شده - که در نمایه موضوعی نیامده است.

● اگر قرار است «نام» افراد موضوع قرار بگیرد، پس در همه جا باید روش یکسانی در پیش گرفته شود:

أل کاشف الغطاء، آوینی، ابوالقاسم خوبی، امام علی(ع)، امام مهدی(عج)... اما در دو ستون بعد، مواجه می‌شویم با قریب به هفتاد مورد از «اندیشه + نام شخص (اندیشه آقا نجفی قوچانی، ... اندیشه امام صادق(ع)، اندیشه تربیتی شهید صدر، و...؛ و درست همین جا، در میان حرف «الف» به «نظریه‌های آموزش و پرورش» برمی‌خوریم و دوباره با حرف الف ادامه می‌دهیم با «انذار و تبشیر» و...

● در انتخاب نام افراد به عنوان موضوع همان اصل انتخاب نام اشهر پدیدآوران رعایت می‌شود و برای نام‌های ۱۳۰۴ به بعد ایران هم نام خانوادگی رسمی فرد (آوینی زیر نام خانوادگی آمده؛

به اطلاعاتش دست یابد - و درست همین جا است که نگارنده این سطور می‌پرسد که: درج پنج نمایه عنوانی چه ضرورتی داشته است؟ - جز آنکه قریب به صد و سی چهل صفحه کاغذ را ضایع کنند؛ و مراجع بیچاره را سردرگم و گیج؟

#### ۴. نمایه‌ناشران و نشریات

سؤال بند ۲ را در مورد نمایه‌ناشران و نشریات هم می‌توان پرسید؛ و بر آن افزود که محققى را که به دنبال منبعی در حوزه آموزش و پرورش می‌گردد، به ناشر چه کار؟ بعید است که محقق آموزش و پرورش ایرانی به دنبال نام و نشان ناشری برود؛ زیرا بزرگترین ناشران کتاب‌های درسی خودمان هم از چنان حیثیت علمی‌ای برخوردار نیستند که محقق به اعتبارشان بنزد (تا چه رسد به جامعه القدس المفتوحه و دارالبصرى و دار ابن جوزى! علاوه بر آن اصولاً در فهرستواره ناشران منبع‌شناسی... چیزی جز نام ناشران و شماره منبعشان نیست.

مطلب دیگر درباره فهرستواره نشریات است: کدام محققى طى تورق یک نشریه شماره مسلسل (پیاپی) آن را به خاطر می‌سپارد؟ و مگر «عنوان» مقالات و نام پدیدآوران آن‌ها از زمین محو شده که محققى «پیاپی ۸ - ماه ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، سال ۱۴۲۲ آفاق الحضاره الاسلامیه» را به خاطر سپرده باشد؟ - و اصولاً بر ذکر این همه «پیاپی» چه حاصل و فایده‌ای مترتب است که مؤسسه محترم ناشر هزاران سطر و ده‌ها صفحه را به آن اختصاص داده؟ مثال‌ها: پیاپی‌های آینه پژوهش: حدود ۲۵ سطر؛ پیاپی‌های پگاه حوزه: حدود ۵۰ سطر؛ پیاپی‌های پیوند: حدود ۱۵۰ سطر؛ پیاپی‌های تعلیم و تربیت: حدود ۱۵۰ سطر؛ و...

#### نگاهی هم به لوح فشرده

لوح فشرده در دنیای کنونی به سبب کمی حجم و زیادی گنجایش و سرعت بازیابی اطلاعات و قدرت جستجوی گزینشی، به درستی اعتباری یافته است و به ابزاری خوب برای جستجو بدل شده است - به شرط آنکه برنامه‌نویس و طراح لوح فشرده خودش هم مثل کامپیوترش «نگرش سیستمی» و «ذهن سیستماتیک» داشته باشد؛ و گرنه چیزی حاصل می‌شود مثل لوح فشرده همین کتاب مستطاب منبع‌شناسی... - که غیر از ناگیرایی رابط کاربرش (که فعلاً جای بحثش نیست) مشکلاتی فنی در زمینه بازیابی اطلاعات دارد؛ از جمله:

- ریزش کاذب در موارد بسیار، آزارنده است. دنبال کلمه «وقف» می‌گردی؛ منابعی برایت می‌آیند که «توقف» و «متوقف» در چکیده آن‌ها آمده است؛ یا دنبال «اراک» می‌گردی، برایت کتاب تجزیه و تحلیل نشانه‌ها... می‌آید و کلمه «اراکى» (که تایپ غلط کلمه «ادراکى»! است).

- بسیاری از نام‌ها و نشان‌ها آسان به دست نمی‌آیند؛ مثلاً نام «آل شیخ» (پدیدآور مدخل شماره ۱۱۶۸) را جستجو می‌کنی، اما پیدا نمی‌شود؛ این در حالی است که این نام

اما «خوبی»، «هایدگر»، و «ریاحی» زیر نام کوچک - ابوالقاسم خوبی، مارتین هایدگر، محمد امین ریاحی - نمایه شده است.

- در دو مورد که به چشم آمد، مدخل نمایه آمده؛ اما مرجع (صفحه یا شماره مربوط به آن) ذکر نشده: اختلال جنسی، و پرهیز از گناه.

#### ۲. فهرستواره پدیدآورندگان

پدیدآورنده یک اثر از ایجادکننده اصلی یک کتاب یا مقاله یا پایان‌نامه و یا صاحب یک زندگینامه و یا شخصی که طرف مصاحبه قرار گرفته شروع می‌شود و هر شخص دیگری که به هرگونه با او همکاری داشته باشد - و نامش به گونه‌ای در صفحه عنوان یا پشت صفحه عنوان ثبت شده باشد - نیز به گونه‌ای «پدیدآور» محسوب می‌شود: نویسنده همکار، ویراستار، مترجم، گرافیست، و... جز آنکه در مواردی که کتابی بیش از سه نویسنده داشته باشد، یا مقاله‌ای در نشریه یا دایره‌المعارفی بدون ذکر نام نویسنده آمده باشد، آن اثر به اصطلاح «زیرعنوان فهرست می‌شود». اگر اثری به صورت صوتی یا تصویری باشد هم پدیدآورندگان تابع همین اصل هستند. نمایه پدیدآور هر کتابی موظف است که نام کلیه دست‌اندرکاران تألیف یا ترجمه یک اثر را در نمایه ذکر کند. در سطرهای بالا اشاره کردیم که پدیدآورندگان منبع‌شناسی تعلیم و تربیت... در صدها مورد دچار خطایی فاحش شده‌اند که نام نخستین پدیدآور اثری را ذکر کرده‌اند و از تکرار نام او در متن فهرست کتاب غافل شده‌اند و بدین ترتیب فقط نویسنده اول را نویسنده تلقی کرده‌اند؛ و همین اتفاق در فهرستواره پدیدآورندگان نیز بازتاب یافته است. برای مثال: در اثر شماره ۵۴۳ کتاب دو نویسنده، یک مترجم، و یک ویراستار دارد: دونالد چاکر، ریچارد هاینز، مرجان مردنی، سید حسن رئیس‌زاده. نام چاکر در متن فهرست کتاب تکرار نشده، و نام سه تن دیگر - هاینز، مردنی، و رئیس‌زاده - در فهرستواره پدیدآورندگان نیامده است؛ در اثر شماره ۲۸۷۸ کتاب دو نویسنده دارد: محمد دبیرسیاقی و ابراهیم صفاری. در متن فهرست نام دبیرسیاقی تکرار نشده، و در نمایه نام صفاری از قلم افتاده؛ در اثر شماره ۲۸۸۷ کتاب سه نویسنده دارد: محمد سیفی، جمیله اخوان ملایری و علی‌رضا فقیهی. در متن فهرست نام سیفی تکرار نشده است و در فهرستواره پدیدآورندگان نام اخوان ملایری و فقیهی از قلم افتاده. صدها مورد از این خطا در متن و در نمایه رخ داده است.

#### ۳. پنج فهرستواره عنوان

نمایه عنوان برای نشان دادن «عنوان» منابع است؛ تا چنانکه محققى بخواهد عنوان کتابی، مقاله‌ای، پایان‌نامه‌ای، یا هر منبع دیگری را بجوید، در یک فهرست منسجم الفبایی به دنبالش بگردد و پیدا کند؛ و با مراجعه به مرجعش (شماره صفحه یا شماره مدرک)



زیر نام کوچکش - عبدالحمید - پیدا می‌شود. همچنین نام «بوخلیل» پیدا نمی‌شود (مدخل ۱۱۶۹) ولی نام کوچکش - سلیمان بن عبد الله - پیدا می‌شود (مشکلی ظاهراً برخاسته از نامتوازن بودن نمایه موضوعی یا نمایه اولیه نام‌ها).

● لوح فشرده قاعدتاً باید «همه» نام‌ها (پدیدآورندگان، مترجمان، ویراستاران، و... را بتواند نشان بدهد، اما در کتابی چون: تاریخ آموزش و پرورش از اک... (کد پارسا: ۱۰۱۱۸۷۶) تنها نام پدیدآورنده اول کتاب قابل جستجو است و نام دو پدیدآورنده دیگر: علیرضا قبیعی، و جمیله اخوان ملایری (که نامشان روی جلد کتاب، در تصویر کتاب ذکر شده) را نمی‌توان یافت (مدخل شماره ۲۸۸۷ کتاب). افزون بر این، در مدخل مذکور در لوح فشرده اصلاً اسم این دو نفر درج نشده است! (مجدداً مشکل برخاسته از نامتوازن بودن نمایه موضوعی یا نمایه اولیه نام‌ها).

● صورت الفبایی مقوله‌های اصلی و زیرمجموعه‌ها آشفته است: هر بخش الفبایی شده، در انتها، مدخل‌های تازه‌ای پیدا می‌کند - با صورت الفبایی تازه. برای مثال، در مقوله اصلی نهادهای آموزشی که دارای ۱۷۵۳ شناسه است، تا شماره ۱۷۱۰ ترتیب الفبایی اولیه رعایت شده؛ و سپس از ۱۷۱۱ مدخل‌هایی نو و صورت الفبایی نو! مقوله اصلی کلیات علوم تربیتی هم به همین ترتیب تا ۱۲۴۴ الفبایی اولیه؛ و از ۱۲۴۵ دوباره مدخل تازه و صورت الفبایی تازه! بقیه بخش‌ها نیز همین مشکل را دارند - مشکلی که جستجوگر اطلاعات را می‌فریبد و به مسیر خطا می‌کشاند.

● نبودن موضوع‌هایی و منابعی در متن کتاب منبع‌شناسی می‌توانست از طریق لینک‌های برنامه در لوح فشرده جبران شود؛ اما به هر سببی این اتفاق نیفتاده و جستجوی بسیاری از موضوع‌ها با پاسخ «نتیجه‌ای یافت نشد!» مواجه می‌شود؛ مثلاً پس از جستجو برای موضوع‌های: آموزش استثنایی، آموزش فنی و حرفه‌ای؛ آموزش رایگان؛ آموزش عشایری؛ آموزش روستایی؛ آموزش معلولین؛ آموزش عقب‌ماندگان ذهنی؛ آموزش مکاتبه‌ای؛ روان‌شناسی پرورشی و... به «نتیجه‌ای یافت نشد» ختم می‌شود.

● یک «عیب» هم در لوح فشرده هست که ظاهراً ناشی از بهره‌گیری از نرم‌افزاری احتمالاً با منشاء «عربی» ایجاد شده: در ترتیب صورت الفبایی حرف «ه» مقدم بر حرف «و» چیده شده (یعنی الگوی الفبای عربی)؛ در حالی که در الفبای فارسی حرف «و» بر حرف «ه» مقدم است.

## در تدوین

### کتابشناسی‌های آینده

### حتماً از دو نیروی

### متخصص در آموزش

### و پرورش و کتابداری

### کمک گرفته شود

بعدی اثر یادآور می‌شویم:

● در کتابشناسی‌های آینده سیاستی مشخص برای کار تعیین شود و الگوی کتس مد نظر قرار گیرد.

● کتابشناسی‌های گذشته آموزش و پرورش ایران، و کتابشناسی‌های جاری این رشته نیز مورد توجه قرار گیرند.

● منابع دیجیتالی و فیلم‌های آموزشی موجود در بازار ایران و نیز در وزارت آموزش و پرورش لحاظ شوند؛ و سایت‌های تعلیم و تربیت ایران (از وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه گرفته تا مراکز آموزشی گوناگون) معرفی شوند.

● در تدوین کتابشناسی‌های آینده حتماً از دو نیروی متخصص در آموزش و پرورش و کتابداری کمک گرفته شود.

## پی‌نوشت‌ها

1. hodaiem@gmail.com

۲. سه نمونه ابتدایی ذکر شد و مابقی زیر موضوع‌ها نیز به همین ترتیب، دارای تعداد منابع اصلی و ارجاعی است که به لحاظ صرفه جویی در وقت خواننده از ذکر آن‌ها خودداری شد.

۳. نگارنده در سال ۱۳۸۱ فهرست کتاب‌های تعلیم و تربیت ایران را به عنوان یک طرح پژوهشی، با عنوان فهرست کتاب‌های آموزش و پرورش و علوم تربیتی ایران تا پایان سال ۱۳۸۱ ارائه کرد. در این کتابشناسی، قریب به ۲۵۰۰ عنوان کتاب فقط فارسی (تألیف / ترجمه) در آن فهرست شد - که جای بسیاری از آن‌ها در کتابشناسی حاضر خالی است.

۴. آنچه در نظام آموزشی ایران ابتدا با عنوان «تعلیم و تربیت» و سپس «آموزش و پرورش» رواج یافته و مرکب از دو عنصر «تعلیم» + «تربیت» / «آموزش» + «پرورش» شمرده شده، معادل اصطلاح تکواژ «Education» فرنگی است - که عمدتاً و اساساً به معنای آموزش و مخصوصاً آموزش رسمی مدرسه‌ای برای آماده‌سازی افراد جامعه برای زندگی شهروندی است (و از همین‌جا راهش را با تربیت مادرانه و بد یا خوب بارآمدن خانوادگی و بی‌تربیت و با تربیت و... - upbringing انگلیسی جدا می‌کند). سدسال پیش، مترجمان مصری آن را به خطا با عبارت دو عنصری «التربیه و التعلیم» معادل‌سازی کردند؛ سپس این خطا را مترجمان ایرانی هم تکرار کردند و ابتدا آن را به «تعلیم و تربیت» و بعد به «آموزش و پرورش» برگرداندند.

۵. درشت‌نویسی کلمات نویسنده و... از نگارنده است.

6. false fall

## مآخذ

کتس، ویلیام (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر اثر مرجع؛ ترجمه رحیم فرحی شاهگلی. تبریز: دانشگاه تبریز.

منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: کارنامه منابع پیرامون تعلیم و تربیت (۱۳۹۱). قم: پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی؛ تهران: کانون مدارس اسلامی ایران.

منبع‌شناسی تعلیم و تربیت: کارنامه منابع پیرامون تعلیم و تربیت (۱۳۹۱). [لوح فشرده]. قم: پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی؛ تهران: کانون

مدارس اسلامی ایران.

**پیشنهادات**  
علی‌رغم ایرادهای جزئی‌ای که برشمردیم، در مجموع - و صرفاً به خاطر توجه ویژه‌ای که کتاب مذکور به معرفی منابع تا کنون لحاظ‌نشده اسلامی داشته است، باید از مؤلف اثر تشکر و قدردانی لازم را به جای آورد. (ولو آنکه بر بسیاری منابع دیگر فعلاً چشم بر بسته باشد!).

در پایان سخن چندین پیشنهاد برای بهتر شدن چاپ‌های